

اسرائیل یک پروژه است نه یک کشور

رهبر انقلاب در چند سال اخیر بارها علیه فرایند عادی‌سازی روابط چند کشور عربی با رژیم صهیونیستی ❖ موضع گرفته و این اقدام را خیانت به اسلام و مسلمین توصیف کرده‌اند.

در گفت‌وگو با آقای دکتر سعدالله زارعی، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه KHAMENEI.IR رسانه طباطبایی و کارشناس مسائل جهان اسلام به بررسی پروژه عادی‌سازی و تأثیرات آن بر ملت‌های منطقه پرداخته است.

سازي در برابر رژيم صهيونيستي و اگر بخواهيم از لحاظ تاريخي بررسي كنيم، پروژه سازش و عادي اشغالگر قدس از چه زماني در بين كشورهاي منطقه آغاز شد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. رژيم صهيونيستي موجوديتش مرهون روابطي بود كه از ابتدا با بخشي از كشورهاي عربي از قبيل عربستان سعودي داشت. از ابتدا بدون همكاري بعضي از دولت‌هاي عربي با رژيم صهيونيستي و انگليس كه ايجادكننده اين رژيم بود امكان استقرار رژيم صهيونيستي وجود نداشت

زمانی که انگلیسی‌ها به سلطان عبدالحمید آخرین پادشاه عثمانی فشار آوردند که درباره استقرار یهودی‌ها در فلسطین همکاری کند. سلطان گفت که اگر دو دست من قطع شود، بهتر از این است که فلسطین را بخواهیم از دست بدهیم. لذا انگلیسی‌ها رفتند سراغ شخصیت‌های دیگر که زیرمجموعه امپراتوری عثمانی قرار داشتند که از جمله آن‌ها ملک عبدالعزیز بود که آن موقع بر منطقه نجد حکومت می‌کرد جایی که حدود یک‌ششم شبه‌جزیره عربستان بود. در گفت‌وگوی بین عبدالعزیز و سران انگلیسی این توافق حاصل شد و ملک عبدالعزیز طی یک دستخطی صراحتاً اعلام کرد که با استقرار یهودی‌ها و تشکیل دولت یهودی در فلسطین موافق است و به این کار کمک می‌کند. بعد هم که اسراییلی‌ها به‌صورت محرمانه روابطی را با گروه‌های مختلف عربی و شخصیت‌های مختلف عربی داشتند. بعدها هر گاه که شعله خشم مسلمان‌ها علیه جنایت‌های صهیونیست‌ها بالا می‌گرفت، در بین خود شخصیت‌ها و کشورهای عربی کسانی بودند که می‌آمدند و فلسطینی‌ها را آرام می‌کردند و مانع شعله‌ور شدن خشم فلسطینی‌ها می‌شدند. یکی از مهم‌ترین این افراد ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی بود. ملک خالد برادر ملک فیصل در خاطراتش می‌گوید من از طرف برادرم می‌آمدم و به فلسطینی‌ها اطمینان می‌دادم که انگلیس اجازه نخواهد داد که صهیونیست‌ها مسلط شوند و انگلیس به‌طور قطعی از حقوق شما فلسطینی‌ها حمایت می‌کند و برادرم ملک فیصل این را تضمین می‌کند.

هر بار که سر یک قضیه‌ای مثل آتش زدن مسجدالاقصی خشم فلسطینی‌ها بالا می‌گرفت و یک موج سنگینی علیه یهودی‌ها یا علیه دولت تازه تأسیس راه می‌افتاد در کشورهای عربی کسانی مثل ملک خالد عربستان و ملک حسین پادشاه اردن مأمور بودند که این خشم را مهار کنند و مهار می‌کردند؛ بنابراین این غده سرطانی یک غده‌ای بود که می‌توانست قبل از اینکه بدن جهان اسلام را فرا بگیرد به‌راحتی جراحی بشود، این کار به تأخیر

افتاد؛ الان هم راهی جز جراحی ندارد.

پیامدهای این عادی‌سازی روابط برای منطقه غرب آسیا و به‌ویژه ملت فلسطین چیست؟

بینید اسرائیل یک کشور نیست بلکه یک پروژه است که هم غربی‌ها به پروژه بودن آن اذعان کردند و هم خود اسرائیلی‌ها مثلاً بن‌گورین اعتراف می‌کنند که پدیدار شدن یک دولت مخالف مسلمان‌ها در سرزمین مقدس فلسطین برای کنترل جهان اسلام و جلوگیری از قدرت‌یابی جهان اسلام و تضمین سلطه اروپا بر جهان اسلام ایجاد شده است؛ یعنی این چیزی است که هم در اسناد تاریخی هست و هم در بیان‌ها تصریح شده که مقامات سابق اسرائیلی هم بیان کرده‌اند. اسرائیل یک کارکرد بیشتر ندارد و آن کارکرد این است که مانع وحدت جهان اسلام بشود. چون وحدت جهان اسلام برای غربی‌ها خاطره سه امپراتوری قدرتمند را زنده می‌کند. امپراتوری عثمانی که حدود ۷۰۰ سال بر بخش عظیمی از جهان حکومت می‌کرد و امپراتوری صفوی و امپراتوری تیموری که در شبه‌قاره هند حاکم بود. برای اینکه چنین قدرتی دوباره پا نگیرد اینجا نقش ویژه‌ای به رژیم صهیونیستی سپرده شده است.

پشت‌صحنه این عادی‌سازی‌ها چیست و برای بی‌اثر کردن آنچه راهکارهایی می‌تواند مدنظر قرار گیرد؟

عادی‌سازی به معنای پایان دادن به یک موضوع پرمناقشه‌ای است که اگر این مناقشه ادامه پیدا نکند پایه‌های اسرائیل را از بین می‌برد و از بین رفتن پایه‌های این رژیم، مقدمه از بین رفتن پایه‌های قدرت غرب در منطقه اسلامی است. لذا این مسئله که «اسرائیل باید استقرار دائمی پیدا نکند» به سیاست مشترک آمریکا، اروپا و خود رژیم صهیونیستی و عوامل او در منطقه تبدیل شده است. راهکارش اولاً وحدت و یکپارچگی مسلمان‌ها است، ثانیاً در صحنه بودن فلسطینی‌ها و خسته نشدنشان، ادامه مبارزه و ثالثاً اینکه کشورهای اسلامی از فلسطینی‌ها پشتیبانی و حمایت کنند و مثل جمهوری اسلامی ایران، اولویت فلسطین از دستور کار سیاست خارجی کشورهای اسلامی خارج نشود.

به‌عنوان سؤال آخر این پروژه سیاسی بین ملت‌های منطقه از چه میزان از مقبولیت برخوردار است؟

خود غربی‌ها نظرسنجی کردند طی چند نوبت از جمله در بحبوحه برقراری روابط رسمی بین امارات و رژیم صهیونیستی که این نظرسنجی شد در آن مقطع که خرداد ماه سال گذشته بود در آنجا گفته شد که در همه کشورهای عرب که نظرسنجی کردند مخالفت با عادی‌سازی و به رسمیت شناختن اسرائیل بین ۷۰ تا ۹۰ درصد حتی در امارات که تشکیل شده از یک جمعیت گسترده غیربومی و قلیلی جمعیت بومی، در آنجا هم گفته بوده شده بود که بیش از ۸۰ درصد با عادی‌سازی مخالفند؛ بنابراین موضع ملت‌ها معلوم است. ملت‌ها نمی‌توانند با یک خاطره تلخ که اشغال سرزمین مقدس فلسطینی است کنار بیایند. لذا هر چه زمان هم می‌گذرد این زشتی‌های اسرائیل از خاطر ملت‌ها پاک نمی‌شود.